

توسعه فردی و تحول سازمانی

ارائه مدل توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی با رویکرد تحلیل مضمون

حمید رضوی نیا^۱، محمد علی نسیمی^۲، محمد حسن نسیمی^۳

شیوه استناددهی: رضوی نیا، حمید،، نسیمی، محمد علی،، و

نسیمی، محمد حسن. (۱۴۰۴). ارائه مدل توسعه

حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی با رویکرد تحلیل

مضمون. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۳(۱)، ۱۸-۱.

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲. گروه مدیریت بازرگانی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

۳. گروه مدیریت، واحد بندرلنگه، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرلنگه، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: ali_nassimi2002@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی است. این پژوهش برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و همچنین از نظر رویکرد پژوهش استقرایی-قیاسی می‌باشد. مشارکت کنندگان در روش کیفی تحلیل تم براون و کلارک (۲۰۰۶) از طریق مصاحبه با ۱۶ نفر از خبرگان و مدیران ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تحصیلات مرتبط با موضوع تحقیق، داشتن تجربه کاری بالای ۱۰ سال در دانشگاه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آگاه در حوزه سیاستگذاری فرهنگی و علاقمند به مشارکت و بیان دیدگاه‌ها و تجربیات به صورت هدفمند آن قدر ادامه پیدا نمود تا به ۱۴ نفر اشیاع نظری حاصل گردید. با استفاده از مطالعه اسنادی (مطالعه کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات مرتبط) سوالات اولیه مصاحبه شکل گرفت. تحلیل متن مصاحبه‌ها از طریق نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای استفاده شد. از تجزیه و تحلیل ۱۶ مصاحبه، جمعاً ۱۹۱ کد اولیه استخراج گردید. پس از تحلیل متن مصاحبه‌ها ۵۷ مضمون پایه و ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده استخراج گردید. در مرحله نهایی با بررسی مضامین سازمان‌دهنده ۶ مضمون فراگیر تحت عنوان بودجه و منابع مالی، سیاستگذاری و قوانین، زیرساخت‌ها و تسهیلات، آموزش و پژوهش، ترویج و تبلیغات و حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی بدست آمد.

کلیدواژگان: حمایت‌گرای دولت، حوزه فرهنگی، تحلیل مضمون

تاریخ چاپ: ۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۳ فروردین ۱۴۰۴

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Presenting a Supportive Government Development Model in the Cultural Domain: A Thematic Analysis Approach

Hamid Razavi Nia¹, Mohammad Ali Nasimi^{2*}, Mohammad Hassan Nasimi³

1. Department of Public Administration, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

2. Department of Business Management, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran

3. Department of Management, Bandar Lengeh Branch, Islamic Azad University, Bandar Lengeh, Iran

*Corresponding Author's Email: ali_nassimi2002@yahoo.com

How to cite: Razavi Nia, H., Nasimi, M. A., & Nasimi, M. H. (2025). Presenting a Supportive Government Development Model in the Cultural Domain: A Thematic Analysis Approach. *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(1), 1-18.

Submit Date: 23 March 2025

Revise Date: 2 May 2025

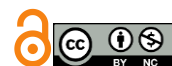
Accept Date: 18 May 2025

Publish Date: 24 May 2025

Abstract

The aim of this study is to present a model for the development of a supportive government in the cultural domain. Based on the method of data collection, this research is descriptive-analytical, and in terms of research approach, it is inductive-deductive. Participants in the qualitative phase, using Braun and Clarke's (2006) thematic analysis method, included 16 experts and senior managers from the Ministry of Culture and Islamic Guidance. These individuals were selected purposefully based on their relevant academic background, more than 10 years of work experience in universities and the Ministry, familiarity with cultural policymaking, and willingness to share their perspectives and experiences. The interviews continued until theoretical saturation was reached with 14 participants. Initial interview questions were formulated through document analysis, including a review of books, articles, and relevant studies. Interview transcripts were analyzed using MAXQDA software. From the analysis of 16 interviews, a total of 191 initial codes were extracted. After further analysis, 57 basic themes and 17 organizing themes were identified. In the final stage, six overarching themes were derived from the organizing themes: budget and financial resources, policymaking and legislation, infrastructure and facilities, education and research, promotion and publicity, and support for artists and cultural activists.

Keywords: Supportive government, cultural domain, thematic analysis



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

حمایت‌گری به منظور ایجاد تغییرات در سیستم‌ها، ساختارها، سیاست‌ها و نگرش‌ها، به منظور تقویت حقوق و عدالت اجتماعی، محیط زیست سالم و ترویج دموکراسی و مشارکت اجتماعی انجام می‌شود. حمایت‌گری به معنای فعالیت و ارائه پشتیبانی به فرد یا گروهی است که نیازهای آن‌ها را در یک زمینه خاص تامین می‌کند و آن‌ها را در رسیدن به اهداف و توانمندی‌هایشان تقویت می‌کند. حمایت‌گری می‌تواند به صورت مادی، معنوی، عاطفی یا ارائه خدماتی انجام شود (Skillman, 2020; UNESCO, 2010). هدف حمایت‌گری ایجاد تأثیر مثبت در زندگی افراد یا گروه‌ها به منظور بهبود وضعیت آن‌ها، ارتقای کیفیت زندگی، توانمندسازی و تقویت منابع و مهارت‌ها و کمک به رسیدن به اهداف و آرزوها است. حمایت‌گری می‌تواند از طریق ارائه منابع مالی، ارائه اطلاعات و مشاوره، ارائه خدمات عاطفی و روانشناختی، ایجاد فرصت‌های آموزشی و شغلی و همچنین ارتباط و همکاری با دیگر افراد و سازمان‌ها انجام شود (Meyrick & Barnett, 2017; UNESCO, 2010).

حمایت‌گران فرهنگی ممکن است به صورت غیررسمی و انفرادی از طریق حفظ و ترویج آداب و رسوم خانوادگی، تقویت زبان و ادبیات مادری و یا پشتیبانی از هنرمندان و نویسندگان محلی عمل کنند (Meyrick & Barnett, 2017; Wahba & Chun, 2021). همچنین می‌توانند در قالب سازمان‌ها، انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی شرکت کنند که به وسیله برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و هنری، ترویج فرهنگ‌ها و هویت‌های محلی، برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری و حمایت مالی از فعالیت‌های فرهنگی، در حفظ و تقویت فرهنگ جامعه سهیم باشند (Ebne Yamini, 2018; UNESCO, 2010). اهداف حمایت‌گری فرهنگی شامل حفظ تنوع فرهنگی، تقویت هویت فرهنگی، ترویج هنر، ادبیات و آداب و رسوم، ارتقای آگاهی فرهنگی جامعه، انتقال دانش و ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده و تقویت ارتباطات و روابط فرهنگی بین اقشار مختلف جامعه می‌باشد (Wahba & Chun, 2021). در جهان حوزه‌های فرهنگی متنوعی وجود دارند که هر کدام ارزشمند و مهم به نظر می‌رسند. مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی از نظر سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در جهان شامل ورزش و تفریحات، گردشگری، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، صوتی و تصویری، رسانه‌های تعاملی، کتاب و مطبوعات، میراث فرهنگی و تاریخی، مراسم‌ها و آیین‌ها است (Engelstad, 2017). این طبقه‌بندی‌ها عمدتاً با هدف جمع‌آوری آمار و اطلاعات از کشورهای عضو و جهت ایجاد نوعی هم‌زبانی و استاندارد نمودن فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته است (UNESCO, 2010). سازمان یونسکو یکی از سازمان‌های بین‌المللی است که در حوزه حفاظت و ترویج فرهنگ و آموزش فعالیت می‌کند. طبقه‌بندی‌ها و استانداردهایی که توسط یونسکو و سایر سازمان‌ها ارائه می‌شوند، هدف دارند تا فعالیت‌های فرهنگی در سطح جهانی را هماهنگ کرده و امکان مقایسه و تبادل اطلاعات بین کشورها را فراهم سازند (Entezari & Derakhshan, 2022; Moghtadaei & Azghandi, 2016). استفاده از طبقه‌بندی‌ها و استانداردهای مشترک می‌تواند به کشورها کمک کند تا فعالیت‌های فرهنگی خود را بهبود دهند، سیاست‌های ملی خود را برنامه‌ریزی کنند و با سایر کشورها در ارتباط باشند. این استانداردها ممکن است شامل تعریف مفاهیم، معیارها و ضوابط، روش‌ها و راهکارها، آمار و داده‌ها، و شاخص‌های ارزیابی باشند (Røyseng et al., 2020). تغییر در حوزه‌های فرهنگی می‌تواند با ایجاد آگاهی، تغییر در نگرش‌ها، ترویج ارزش‌های مثبت، تغییر در الگوهای رفتاری و ایجاد تحولات عمده در ساختار فرهنگی، بهبود رفتار عمومی جامعه را ایجاد کند. به طور مثال اگر یک جامعه تمایل به ترویج گردشگری، ورزش و تفریحات و حفاظت از محیط زیست داشته باشد، ممکن است در طول زمان به تدریج

رفتارها و سیاست‌های آن جامعه در این زمینه‌ها تغییر کند (Ansari et al., 2021; Wahba & Chun, 2021). با این حال تغییر در حوزه‌های فرهنگی زمان‌بر و چالش‌بر است و نیازمند تلاش‌های گسترده و پیوسته است (Røyseng et al., 2020).

نقش حمایت‌گری دولت در حوزه فرهنگی جامعه به عنوان یکی از نهادهای اصلی و مسئول برای تشکیل و تنظیم جوامع ملی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد. دولت‌ها می‌توانند از حمایت‌گری از طریق سیاست‌گذاری، تدوین قوانین و برنامه‌ها، ترویج فرهنگ و هنر، حمایت مالی و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی، نقش مؤثری در تحول و تغییر فرهنگ جامعه داشته باشند (Wahba & Chun, 2021). حوزه‌های فرهنگی ایران عموماً با حوزه‌های فرهنگی که توسط سازمان یونسکو مشخص شده، اشتراک دارد و شامل خانواده، دین، گردشگری، میراث فرهنگی و تاریخی، صنایع دستی، ادبیات، هنر و کتاب و مطبوعات و غیره مواردی است که خاص فرهنگ ایرانی-اسلامی است. دولت‌ها بر اساس سیاست‌ها و اولویت‌های خود، نقش‌های مختلفی در حوزه فرهنگی جامعه دارند. هدف اصلی دولت در این حوزه، تقویت هویت فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و تنوع فرهنگی است. اما موفقیت این نقش‌ها نیازمند همکاری و تعامل با جوامع محلی، سازمان‌های فرهنگی و هنری، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای اجتماعی است (Belfiore, 2002; Gray, 2008; Gray & Wingfield, 2011; Ratiu, 2009; Røyseng et al., 2020).

تأثیرگذاری بر تغییر خط مشی عمومی می‌تواند دشوار و پیچیده باشد، به ویژه برای کسانی که قدرت و منابع محدودی دارند. یکی از مشکلات کلیدی این است که توسعه سیاست عمومی به ندرت یک فرآیند خطی است (Cullerton et al., 2018). این از طریق تعاملات و مذاکرات پیچیده بین طیفی از ذینفعان، از جمله سیاستمداران، گروه‌های ذینفع، مشاوران، بوروکرات‌ها، و طیفی از بازیگران دیگر ساخته می‌شود. عوامل زیادی بر احتمال وقوع تغییر سیاست تأثیر می‌گذارد. جلب حمایت مردم یکی از عوامل مهم در تغییر سیاست است، با این حال، اطمینان از داشتن اراده سیاسی ضروری است (Cullerton et al., 2016, 2018; Soleimani et al., 2022). برای کسانی که خارج از حلقه‌های سیاست‌گذاری هستند، به‌ویژه از سوی سازمان‌های ضعیف، تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری می‌تواند کاری غیرممکن به نظر برسد. با این حال، استراتژی‌هایی وجود دارد که این افراد یا سازمان‌ها می‌توانند برای افزایش نفوذ خود اتخاذ کنند (Lluís & Emmanuel, 2018). درک و بکارگیری این راهبردها، و همچنین درک عواملی که ممکن است آن‌ها را از بین ببرد، می‌تواند پویایی قدرت را بین سیاست‌گذاران و فعالان فرهنگی تغییر دهد و احتمال تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری را افزایش دهد. فرآیند انجام مداخلات فعال با هدف صریح تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت به عنوان حمایت‌گری شناخته می‌شود (Onyx et al., 2010; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023).

مرور ادبیات پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به بررسی نقش دولت در حمایت از بخش فرهنگی، توسعه صنایع خلاق و تبیین مدل‌های حمایت‌گرای فرهنگی پرداخته‌اند. میکوف (۲۰۲۳) نقش بخش فرهنگی را در توسعه اقتصادی پایدار با تمرکز بر نوآوری و اقتصاد خلاق در شهرهای اروپایی بررسی کرده و بر هم‌افزایی میان فرهنگ، اقتصاد و پایداری اجتماعی تأکید می‌کند (Mickov, 2023). شوستر و همکاران (۲۰۲۱) با رویکردی آموزشی، به طراحی یک مدل حمایت‌گری قانونی برای دانشجویان مشاوره پرداخته‌اند که از طریق تعامل مستقیم با قانون‌گذاران شکل گرفته است و به‌عنوان راهنمایی عملی برای مداخله فرهنگی عمل می‌کند (Schuster et al., 2021). در نهایت، لوئیس و امانوئل (۲۰۱۸) با بررسی پارادایم‌های مشارکتی در سیاست فرهنگی، ضمن معرفی مدل‌های چندگانه مشارکت فرهنگی، بر تأثیرات فناوری، تحولات اجتماعی و سیاسی بر نقش شهروندان در سیاست فرهنگی تأکید کرده و ابعاد مشارکت را در بازآفرینی راهبردهای

فرهنگی و سازمانی بررسی کرده‌اند (Lluís & Emmanuel, 2018). مجموع این مطالعات نشان می‌دهند که حمایت‌گری فرهنگی نیازمند نگاهی چندسطحی و میان‌رشته‌ای است که شامل تعهدات اخلاقی دولت، نوآوری‌های شهری، توسعه عدالت اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان می‌شود.

حمایت‌گری در یک قلمرو چالش برانگیز قرار دارد که نیاز به قرار دادن تفاوت‌های فرهنگی در قلمرو نیروهای اجتماعی-سیاسی-ساختاری دارد و در عین حال اطمینان از شنیده شدن کاربران خدمات و حمایت از حقوق آن‌ها دارد. ریشه‌های حمایت‌گری بر پذیرش تفاوت‌های قدرت و نیاز به کنترل و انتخاب بیشتر در رابطه با خدمات عمومی استوار است. بنابراین حمایت‌گران در نقطه‌ای که در آن مفهوم‌سازی‌های متفاوتی از پریشانی و حقوق در برابر تسلط روان‌شناسی تقویت شده است، عمل می‌کنند (سالا و همکاران، ۲۰۲۳). حال با توجه به مطالب فوق سوال اصلی این پژوهش این است که مدل توسعه حمایت‌گری دولت در حوزه فرهنگی چیست؟

روش‌شناسی

این پژوهش برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و همچنین از نظر رویکرد پژوهش استقرایی-قیاسی می‌باشد. مشارکت کنندگان در روش کیفی تحلیل تم براون و کلارک (۲۰۰۶) از طریق مصاحبه با ۱۶ نفر از خبرگان و متخصصین با سابقه خدمت بالا و تحصیلات تکمیلی در حوزه دانشگاهی و مدیران ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تحصیلات مرتبط با موضوع تحقیق، داشتن تجربه کاری بالای ۱۰ سال در دانشگاه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آگاه در حوزه سیاستگذاری فرهنگی و علاقمند به مشارکت و بیان دیدگاه‌ها و تجربیات به صورت هدفمند آن قدر ادامه پیدا نمود تا به ۱۴ نفر اشیاع نظری حاصل گردید. با استفاده از مطالعه اسنادی (مطالعه کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات مرتبط) سوالات اولیه مصاحبه شکل گرفت. پژوهشگر قبل از اجرای هر مصاحبه، ابتدا برای مصاحبه شوندگان توضیحاتی پیرامون موضوع و هدف پژوهش ارائه کرد و سپس از آن‌ها خواست تا به سؤالات مصاحبه پاسخ دهند. لازم به ذکر است که پژوهشگر با ادای احترام، از آن‌ها خواست که زمان مورد توجه برای مصاحبه را خودشان تعیین کنند تا با فراغت کامل بتوانند پاسخگوی مصاحبه‌ها باشند. همچنین پژوهشگر با استفاده از ضبط صوت و یادداشت، کلیه مصاحبه‌ها را دریافت و مورد استفاده قرار داد. بعد از فراهم کردن متن نوشتاری جواب‌های مشارکت کنندگان، روند بررسی محتوای آشکار و پنهان اطلاعات گردآوری شده از بیانات و نوشته‌ها شروع شد. هدف این فرایند استخراج مولفه‌های مدل توسعه حمایت‌گری دولت در حوزه فرهنگی با رویکرد کیفی بود. در تحلیل متن مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل تم براون و کلارک (۲۰۰۶) از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای استفاده شد.

یافته‌ها

همان‌طور که جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۱۶ نفر ۲۵ درصد (۴ نفر) زن و ۷۵ درصد (۱۲ نفر) مرد، ۷۵ درصد (۱۲ نفر) دارای مدرک دکتری و ۲۵ درصد (۴ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۳ درصد (۲ نفر) دارای سابقه ۱ تا ۱۰ سال و ۵۶ درصد (۹ نفر) دارای سابقه ۱۱ تا ۲۰ سال و همین‌طور ۳۱ درصد یعنی (۵ نفر) دارای سابقه ۲۱ سال به بالا، ۳۱ درصد (۵ نفر) دارای سن ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۴ درصد (۷ نفر) دارای سن ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۵ درصد (۴ نفر) دارای سن ۵۱ سال به بالا بودند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت کنندگان در مصاحبه ها

کد مصاحبه شونده	سمت مصاحبه شونده	تحصیلات	سابقه کار	سن	جنسیت
۱	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۰ سال	۳۶	زن
۲	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۶ سال	۴۸	مرد
۳	مدیر کل هنرهای نمایشی	دکتری	۲۸ سال	۵۹	مرد
۴	مدیر کل مجامع، تشکلهای و فعالیتهای هنری	کارشناسی ارشد	۲۶ سال	۵۷	مرد
۵	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۵ سال	۴۸	مرد
۶	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۰ سال	۴۴	زن
۷	مدیر کل تبلیغ و ترویج	کارشناسی ارشد	۱۴ سال	۴۵	مرد
۸	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۲ سال	۴۳	مرد
۹	مدیر دفتر هنرهای تجسمی	دکتری	۱۸ سال	۴۶	مرد
۱۰	مدیر دفتر ارتباطات و هماهنگی	کارشناسی ارشد	۱۲ سال	۳۶	مرد
۱۱	مدیر دفتر امور موسیقی	دکتری	۲۷ سال	۵۵	مرد
۱۲	مدیر دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی	کارشناسی ارشد	۲۵ سال	۵۳	مرد
۱۳	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۳ سال	۳۷	زن
۱۴	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۱۱ سال	۳۵	مرد
۱۵	هئیت علمی دانشگاه	دکتری	۲۲ سال	۴۸	زن
۱۶	مدیر دفتر برنامه ریزی و آموزشهای هنری	دکتری	۱۵ سال	۳۸	مرد

تمام مراحل تحلیل کیفی تم با رویکردی که براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه داده اند، در ۶ مرحله انجام شد. در مرحله اول آشنایی با داده ها محقق قبل از این که کدگذاری داده ها را شروع کند همه مصاحبه های ضبط شده را به صورت دست نوشته اول روی کاغذ نوشته و یک بار هم مجدداً مصاحبه را گوش کرده و با دست نوشته مقایسه کرد تا جمله ایی از قلم نیافتاده باشد، سپس دست نوشته ها را در نرم افزار ورد تایپ نموده و مجدداً یک بار کل داده های حاصل از مصاحبه ها را خوانده است. مرحله دوم یعنی ایجاد کدهای اولیه زمانی شروع شد که محقق متن مصاحبه های تایپ شده در نرم افزار ورد را به نرم افزار مکس کیودی ای منتقل کرده و مصاحبه را کدگذاری نمود که در مجموع ۱۹۱ کد اولیه به دست آمد. در این مرحله سوم جستجوی کدهای گزینشی کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشتند تا به تعداد ۷۰ کد گزینشی دست یافتند. در مصاحبه ۱۴ و ۱۵ به دلیل رسیدن به اشباع کدهای جدیدی شناسایی نشد. در مرحله شکل گیری تم های فرعی از ۷۰ کد گزینشی در مرحله سوم ۵۷ تم پایه در این مرحله استخراج شد و همچنین در مرحله کنونی محقق با تجمیع کدهای گزینشی در گستره های معنایی وسیع تر به تم های فرعی و اصلی می رسد؛ که ۱۷ تم فرعی نیز شناسایی شد.

مرحله پنجم زمانی شروع می شود که یک تصویر رضایت بخش از تم های فرعی وجود داشته باشد. در این تحقیق، تعریف و نام گذاری تم های اصلی و تهیه گزارش تحلیل تم بر مبنای تقسیم تم ها در شبکه مضامین، به تم های پایه، سازمان دهنده و فراگیر انجام شده است. در جدول ۲ و شکل ۱ (خروجی نرم افزار مکس کیودا) تم های فرعی استخراج شده که تم های سازمان دهنده هم نامیده می شوند به ۶ مضامین فراگیر تحت عنوان بودجه و منابع مالی، سیاستگذاری و قوانین، زیرساخت ها و تسهیلات، آموزش و پژوهش، ترویج و تبلیغات و حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی دسته بندی و ارائه شدند.

توسعه فردی و تحول سازمانی

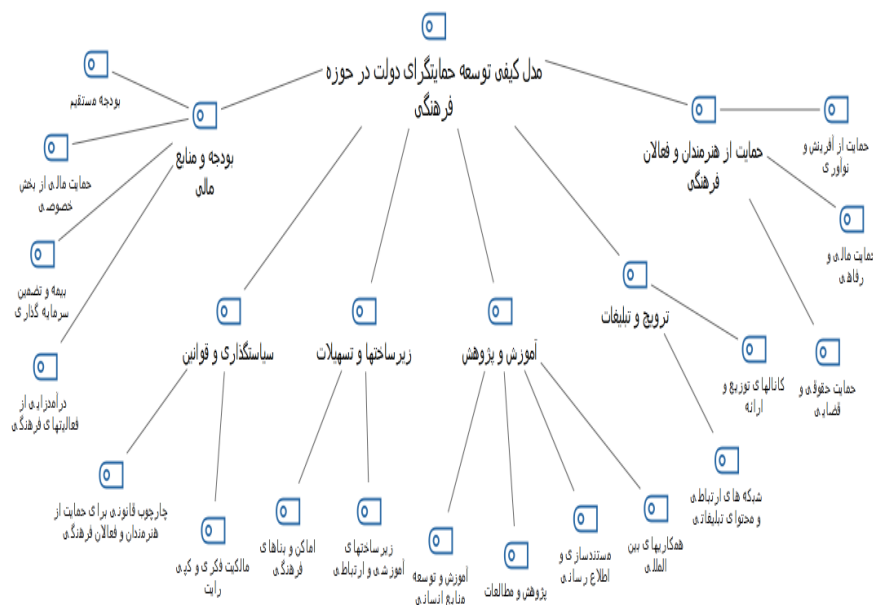
جدول ۲. مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر استخراج شده از مصاحبه ها

مضمون فراگیر	تم‌های فرعی	تم پایه
بودجه و منابع مالی	حمایت مالی از بخش خصوصی	اختصاص بودجه سالانه در لایحه بودجه کل کشور برای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی
		بودجه مستقیم
		تخصیص بودجه به نهادهای فرهنگی و هنری دولتی مانند موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سالن‌های اجرایی و...
		ارائه مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌ها و افراد حقیقی فعال هنری
بودجه و منابع مالی	بیمه و تضمین سرمایه‌گذاری	ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی پروژه‌های فرهنگی و هنری
		پرداخت یارانه و کمک‌های مالی مستقیم به بنگاه‌های خصوصی فعال در عرصه فرهنگ و هنر
		اعطای وام‌های کم بهره یا بلاعوض به این بنگاه‌ها
		ارائه پوشش بیمه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی بخش خصوصی
سیاستگذاری و قوانین	مالکیت فکری و کپی رایت	ارائه تضمین‌های دولتی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در این حوزه
		ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری اختصاصی برای پروژه‌های فرهنگی و هنری
		تشویق بخش خصوصی به مشارکت در این صندوق‌ها
		دریافت عوارض یا بلیط از فعالیت‌های فرهنگی و هنری دولتی
سیاستگذاری و قوانین	چارچوب قانونی برای حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی	ایجاد صنایع فرهنگی درآمدزا مانند گردشگری فرهنگی
		بهره‌برداری از پلتفرم‌های آنلاین برای ارائه خدمات فرهنگی و کسب درآمد
		فروش محصولات فرهنگی همچون کتاب، سی‌دی، پوستر و غیره در این رویدادها
		برندسازی و بازاریابی محصولات و خدمات فرهنگی
زیرساخت‌ها و تسهیلات	زیرساخت‌های آموزشی و ارتباطی	اجاره دادن اماکن فرهنگی دولتی (موزه‌ها، سالن‌های اجرایی و...) برای برگزاری رویدادهای خصوصی
		تدوین قوانین و مقررات حمایتی برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری
		تعریف مصادیق و حدود مداخله دولت در این حوزه
		ایجاد نظام حقوقی و قضایی برای حمایت از حقوق هنرمندان
ترویج و تبلیغات	شبکه‌های ارتباطی و محتوای تبلیغاتی	تدوین قوانین و مقررات مربوط به بیمه، مالیات و مزایای اجتماعی هنرمندان
		تقویت نظام مالکیت فکری و قوانین کپی رایت برای آثار فرهنگی و هنری
		ایجاد مراجع و مکانیزم‌های اجرایی برای حمایت از مالکیت فکری
		ایجاد ساختار نهادی برای اجرای این مقررات و ارائه حمایت‌ها
ترویج و تبلیغات	زیرساخت‌های آموزشی و ارتباطی	ساخت و توسعه موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی، سالن‌های اجرایی و نمایشگاهی
		تجهیز و به روزرسانی این اماکن با امکانات و تکنولوژی‌های جدید
		تخصیص و آماده سازی فضاهای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی
		طراحی و ساخت مجتمع‌های فرهنگی در مناطق مختلف
ترویج و تبلیغات	شبکه‌های ارتباطی و محتوای تبلیغاتی	ایجاد و توسعه زیرساخت‌های ICT برای پخش و انتشار محتوای فرهنگی
		گسترش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در مراکز فرهنگی
		ساخت و توسعه مراکز آموزشی و پژوهشی در حوزه هنر و فرهنگ
		تجهیز این مراکز با امکانات آموزشی و کارگاهی مناسب
ترویج و تبلیغات	شبکه‌های ارتباطی و محتوای تبلیغاتی	استفاده از رسانه‌های جمعی (تلویزیون، رادیو، مطبوعات)
		بهره‌گیری از پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی
		ایجاد و توسعه پایگاه‌های اطلاع‌رسانی تخصصی فرهنگی
		طراحی و تولید محتوای تبلیغاتی جذاب و خلاقانه
ترویج و تبلیغات	شبکه‌های ارتباطی و محتوای تبلیغاتی	استفاده از زبان و فرهنگ بومی در تولید محتوا

Personal Development and Organizational Transformation

ایجاد هویت بصری و برندینگ برای رویدادها و فعالیت‌ها	
استفاده از فضاهای شهری (بیلبوردها، پوسترها، نمایشگاه‌ها)	
بهره‌گیری از پوشش خبری و تبلیغات آنلاین	
همکاری با سفارتخانه‌ها و مراکز فرهنگی خارجی	
مشارکت مخاطبان در طراحی و تولید محتوا	کانال‌های توزیع و ارائه
برگزاری رویدادهای تعاملی برای جذب و آموزش مخاطبان	
استفاده از بازخورد مخاطبان برای بهبود اقدامات اطلاع رسانی	
ایجاد قوانین و مقررات برای حمایت از حقوق هنرمندان	
ایجاد نهادهای قضایی برای رسیدگی به احقاق حقوق هنرمندان	حمایت حقوقی و قضایی
ارائه خدمات مشاوره حقوقی و دادرسی برای هنرمندان	
اختصاص بودجه و تسهیلات مالی به هنرمندان و فعالان فرهنگی	
ارائه معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای برای هنرمندان	
ایجاد صندوق‌های حمایتی و بورس‌های هنری	حمایت مالی و رفاهی
ایجاد سیستم بیمه و تأمین اجتماعی برای هنرمندان	
ایجاد مجتمع‌های مسکونی و رفاهی ویژه هنرمندان	
برگزاری برنامه‌های آموزشی و توسعه مهارت‌ها	
اختصاص جوایز و تقدیرنامه‌های هنری به آثار برتر	
ارائه تسهیلات و حمایت از پژوهش‌های هنری و فرهنگی	
حمایت از ایجاد و توسعه مراکز خلاقیت و نوآوری	
برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌های معرفی آثار هنرمندان	حمایت از آفرینش و نوآوری
حمایت از انتشار و توزیع آثار هنری در بازارها	
ارائه تسهیلات برای مشارکت هنرمندان در رویدادهای بین‌المللی	

حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی



شکل ۱. مدل توسعه حمایت‌گرایی دولت در حوزه فرهنگی مستخرج از نرم افزار مکس کیو دی‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی هدف از این پژوهش ارائه مدل توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی با رویکرد کیفی است. از این رو چارچوب کلی این پژوهش در راستای تبیین این موضوع به شکل اصولی و نظام مند بوده است.

بودجه و منابع مالی یکی از عوامل کلیدی در توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی است که نقش بنیادینی در پایداری و گسترش فعالیت‌های فرهنگی ایفا می‌کند. بودجه مستقیم یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی دولت‌هاست که از طریق آن، منابع مالی از محل بودجه عمومی کشور مستقیماً به بخش‌های فرهنگی تخصیص می‌یابد. این نوع تأمین مالی با هدف تحقق اهداف کلان فرهنگی نظیر حفظ و احیای میراث فرهنگی، تقویت هویت ملی، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و گسترش عدالت فرهنگی صورت می‌گیرد. بودجه مستقیم به‌عنوان ابزار راهبردی برای حمایت از فعالیت‌های فرهنگی غیرانتفاعی، کم‌بازده و استراتژیک که بازار آزاد توان یا انگیزه حمایت از آن‌ها را ندارد، عمل می‌کند.

یکی از رویکردهای کلیدی دولت‌ها برای توسعه پایدار حوزه فرهنگ، تقویت نقش و حضور بخش خصوصی از طریق ایجاد زیرساخت‌های حمایتی و مشوق‌های هدفمند اقتصادی است. هدف اساسی این سیاست‌ها، بهره‌برداری از ظرفیت‌های مالی، مدیریتی و نوآورانه بخش خصوصی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است. مشارکت فعال بخش خصوصی منجر به افزایش تنوع، کیفیت و رقابت‌پذیری محصولات فرهنگی می‌شود.

یکی از راهبردهای کلیدی دولت‌ها برای کاهش ریسک‌های اقتصادی در سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی، بهره‌گیری از ابزارهایی چون بیمه و تضمین سرمایه‌گذاری است. فعالیت‌های فرهنگی به‌واسطه ویژگی‌های خاص خود- از جمله خلاقیت‌محوری، ناپایداری تقاضا، وابستگی به ذائقه مخاطبان و تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی و اقتصادی- با سطح بالایی از عدم قطعیت مواجه‌اند. در این راستا، طراحی سازوکارهای بیمه‌ای اختصاصی برای پوشش خطرات مرتبط با تولیدات هنری، فیلم‌ها، نمایش‌ها، جشنواره‌ها و سایر فعالیت‌های فرهنگی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاران ایفا کند.

درآمدزایی از فعالیت‌های فرهنگی به مجموعه‌ای از سازوکارها و الگوهای اقتصادی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها افراد، نهادها و دولت‌ها قادرند ضمن تولید، عرضه و توزیع کالاها و خدمات فرهنگی، منابع مالی پایداری را به‌دست آورند. توسعه نظام درآمدزای فرهنگی به‌ویژه در بستر اقتصاد خلاق، نه تنها موجب ارتقاء خوداتکایی مالی نهادهای فرهنگی می‌شود، بلکه در بلندمدت فشار بر بودجه عمومی دولت را کاهش می‌دهد. تحقق این هدف مستلزم فراهم‌سازی زیرساخت‌های فنی و نهادی مناسب، از جمله پلتفرم‌های دیجیتال فروش و توزیع، نظام‌مند کردن حقوق مالکیت فکری، توسعه بازاریابی فرهنگی و آموزش مباحث کارآفرینی و تجاری‌سازی به هنرمندان و فعالان فرهنگی است. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Ansari et al., 2021; Mahdavi et al., 2019; Mehdi-pour, 2020; Mickov, 2023; Schuster et al., 2021; Skillman, 2020; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023; Soleimani et al., 2022; Wahba & Chun, 2021; Zare & Safari, 2023; Zargham Afshar et al., 2023) هم خوانی دارد.

سیاست‌گذاری و قوانین یکی از ارکان اساسی توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی است که زمینه‌ساز شکل‌گیری بسترهای حقوقی و اجرایی مناسب برای پشتیبانی از فعالیت‌های فرهنگی محسوب می‌شود. تدوین و اجرای چارچوب‌های قانونی مستحکم برای حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی، یکی از ارکان اساسی سیاست‌گذاری فرهنگی به شمار می‌آید. این چارچوب‌ها باید شامل مجموعه‌ای از قوانین

حمایتی باشند که علاوه بر امنیت شغلی، به جنبه‌های مختلف زندگی حرفه‌ای هنرمندان توجه داشته باشند؛ از جمله بیمه اجتماعی، بازنشستگی، حمایت‌های ویژه در زمان بیماری یا بیکاری، و دسترسی به تسهیلات دولتی و بانکی. به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از هنرمندان در قالب مشاغل آزاد یا پروژه‌ای فعالیت می‌کنند، فقدان این حمایت‌های نهادی می‌تواند آن‌ها را در معرض آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از بحران‌ها یا نوسانات بازار قرار دهد.

سیاست‌های ملی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که با شرایط جهانی و تحولات فناوری هماهنگ باشند. این امر نیازمند به‌روز رسانی قوانین مالکیت فکری به‌ویژه در دنیای دیجیتال است که در آن، امکان کپی‌برداری غیرمجاز و نقض حقوق مالکیت فکری بسیار افزایش یافته است. در این راستا، استفاده از ابزارهای دیجیتال مانند بلاک‌چین برای ثبت و اثبات مالکیت، می‌تواند به هنرمندان کمک کند تا حقوق خود را به‌طور مؤثرتر محافظت کنند. همچنین دولت‌ها باید نقش نظارتی و حمایتی خود را در زمینه اجرای قوانین مالکیت فکری تقویت کنند و با تقویت نهادهای قضائی و اجرایی، فرآیندهای قانونی را برای رسیدگی به تخلفات تسریع کنند. حق نشر یکی از ارکان اساسی مالکیت فکری، نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از آثار فرهنگی و خلاقانه ایفا می‌کند. این حق به مؤلفان و صاحبان آثار این امکان را می‌دهد که برای مدت معینی از بهره‌برداری انحصاری اقتصادی و معنوی از آثار خود برخوردار شوند. کپی‌رایت نه تنها از حقوق هنرمندان در برابر استفاده غیرمجاز از آثارشان حفاظت می‌کند، بلکه بستری مناسب برای شکل‌گیری و گسترش بازارهای قانونی و شفاف فرهنگی فراهم می‌آورد. در غیاب یک نظام کارآمد کپی‌رایت، تکثیر غیرمجاز آثار می‌تواند به کاهش درآمد هنرمندان، کاهش انگیزه‌های خلاقانه و اختلال در فرآیندهای تولید و توزیع فرهنگی منجر شود. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Ansari et al., 2021; Entezari & Derakhshan, 2022; Mahdavi et al., 2019; Mehdipour, 2020; Rahmanizadeh Dehkordi, 2022; Røyseng et al., 2020; Schuster et al., 2021; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023; Soleimani et al., 2022; Wahba & Chun, 2021; Zare & Safari, 2023; Zargham Afshar et al., 2023) هم خوانی دارد.

زیرساخت‌ها و تسهیلات فرهنگی شامل فضاها و امکاناتی است که به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری فراهم می‌شود. این شامل تأسیس و نگهداری اماکن فرهنگی، مراکز آموزشی، سالن‌های نمایش و فضاهای عمومی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی می‌شود. توسعه و بهبود اماکن و بناهای فرهنگی، مانند کتابخانه‌ها، گالری‌ها، سالن‌های تئاتر، سینماها و سایر مراکز فرهنگی، به‌عنوان زیرساخت‌های کلیدی در نظام فرهنگی هر کشور، نقش بسزایی در تحقق اهداف فرهنگی و هنری دارند. این اماکن نه تنها فضاهای فیزیکی برای برگزاری رویدادها، نمایش‌ها و فعالیت‌های هنری هستند، بلکه به‌عنوان نقاط اصلی دسترسی عمومی به فرهنگ و هنر عمل می‌کنند و امکان مشارکت فعال اقشار مختلف جامعه در فرایندهای فرهنگی را فراهم می‌آورند. از این‌رو دولت‌ها باید در سیاست‌گذاری‌های خود، با دقت و برنامه‌ریزی مناسب، توجه ویژه‌ای به بازسازی، نوسازی و احداث بناهای جدید فرهنگی داشته باشند. این اماکن می‌توانند نقش برجسته‌ای در تقویت تبادل فرهنگی و آموزشی میان گروه‌های مختلف جامعه ایفا کنند و به‌ویژه در جوامع متنوع فرهنگی، بستری برای تعاملات فرهنگی و هنری فراهم آورند.

مؤسسات فرهنگی باید به‌گونه‌ای طراحی و تجهیز شوند که فضایی مناسب برای آموزش و پرورش استعدادهای هنری و فرهنگی در تمامی سطوح فراهم آورند. دولت‌ها با تأسیس و بهبود این نهادها، به ایجاد فرصت‌های آموزشی برای هنرمندان و فعالان فرهنگی کمک می‌کنند، به‌ویژه آنکه این فضاها باید امکاناتی چون برنامه‌های درسی به‌روز، تجهیزات پیشرفته و اساتید متخصص را در اختیار دانش‌آموزان و هنرمندان قرار دهند. چنین زیرساخت‌هایی به‌طور مستقیم در ارتقاء کیفیت تولیدات فرهنگی و هنری تأثیرگذارند و توانایی‌های هنری فردی و جمعی

را تقویت می‌کنند. علاوه بر این نهادهای آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که دسترسی آسان برای تمامی اقشار جامعه، به‌ویژه جوانان با استعداد در زمینه‌های فرهنگی و هنری را فراهم سازند. بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای آموزش و یادگیری در زمینه فرهنگ و هنر ایجاد کند. پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند به‌عنوان محیط‌های آموزشی و پرورش استعدادهای فرهنگی عمل کنند، به‌ویژه برای افرادی که دسترسی به آموزش‌های رسمی و حضوری ندارند. این امر می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های فرهنگی و هنری، به‌ویژه در مناطق دورافتاده یا کم‌برخوردار، کمک کند. همچنین فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و داده‌کاوی می‌توانند در تحلیل و شبیه‌سازی روندهای فرهنگی، پیش‌بینی نیازهای مخاطبان و بهبود تجربه فرهنگی نقش مؤثری ایفا کنند. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Azhdari et al., 2018; Lluís & Emmanuel, 2018; Mahdavi et al., 2019; Mickov, 2023; Rahmanizadeh Dehkordi, 2022; Soleimani et al., 2022; Wahba & Chun, 2021) هم‌خوانی دارد.

از طریق آموزش نظام‌مند و پژوهش‌های علمی می‌توان به شناخت عمیق‌تر نیازهای فرهنگی جامعه و ارتقاء کیفیت سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دست یافت. ایجاد و تقویت زیرساخت‌های لازم برای آموزش ضمن خدمت، بازآموزی و توانمندسازی مداوم مدیران فرهنگی، هنرمندان، معلمان هنر و پژوهشگران فرهنگی نیز امری ضروری است. همچنین دولت باید با گسترش پوشش جغرافیایی این آموزش‌ها، به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر برخوردار، زمینه تحقق عدالت آموزشی در عرصه فرهنگ را فراهم سازد. سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی فرهنگی، نه تنها منجر به افزایش بهره‌وری نهادهای فرهنگی می‌شود، بلکه از منظر توسعه پایدار فرهنگی نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند. پژوهش در حوزه فرهنگ یکی از عوامل توسعه و به‌روزرسانی سیاست‌های فرهنگی است که زمینه تولید دانش بومی، شناسایی شکاف‌ها و نیازهای فرهنگی جامعه، و طراحی مداخلات اثربخش را فراهم می‌آورد. در این راستا، دولت‌ها باید با اختصاص منابع مالی پایدار و هدفمند، حمایت مستقیم از پروژه‌های پژوهشی و ایجاد نهادهای تخصصی پژوهش فرهنگی را در دستور کار قرار دهند. ایجاد مراکز مطالعاتی چندرشته‌ای که بتوانند با رویکرد میان‌رشته‌ای به مسائل فرهنگی بپردازند، امکان تولید تحلیل‌های عمیق‌تر و آینده‌نگرانه‌تر را فراهم می‌سازد. مطالعات آینده‌پژوهی در حوزه فرهنگ نیز، در مواجهه با تحولات جهانی و دیجیتالی شدن فرهنگ، نقشی حیاتی در پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌ها ایفا می‌کند. مستندسازی دقیق و علمی رویدادها، آثار، جریان‌ها و فعالیت‌های فرهنگی نه تنها به حفظ میراث ملموس و ناملموس جامعه کمک می‌کند، بلکه بستری را برای توسعه آموزش، پژوهش و سیاست‌گذاری مبتنی بر داده فراهم می‌سازد. در این راستا، دولت‌ها می‌توانند با ایجاد و تقویت بانک‌های اطلاعاتی چندرشته‌ای، آرشیوهای دیجیتال، سامانه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی و پلتفرم‌های تعاملی، زیرساخت‌های اطلاعاتی فرهنگ‌محور را نهادینه کنند. چنین سامانه‌هایی می‌بایست قابلیت به‌روزرسانی مستمر، دسترسی آزاد و کاربرپسند بودن را دارا باشند تا امکان بهره‌برداری علمی، آموزشی و عمومی از داده‌های فرهنگی افزایش یابد. دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ رویکردی راهبردی در دیپلماسی فرهنگی، بستر لازم برای تعاملات فرامرزی در حوزه فرهنگ را فراهم آورند. حمایت از پروژه‌های مشترک هنری، مبادله هنرمندان و متخصصان فرهنگی، و مشارکت فعال در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی، از جمله راه کارهایی است که به معرفی ظرفیت‌های فرهنگی کشور و گسترش بازارهای جهانی محصولات فرهنگی منجر می‌شود. بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای بین‌المللی نظیر یونسکو، اتحادیه‌های فرهنگی منطقه‌ای و سازمان‌های مردم‌نهاد، نه تنها منابع مالی و فنی لازم را فراهم می‌سازد، بلکه به ایجاد شبکه‌های پایدار همکاری فرهنگی کمک می‌کند. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Ansari et al., 2021; Entezari & Derakhshan, 2022; Mehdipour, 2020; Mickov, 2023; Rahmanizadeh Dehkordi, 2022; Røyseng et al., 2020; Schuster et al.,

(2021; Skillman, 2020; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023; Soleimani et al., 2022; Wahba & Chun, 2021

هم خوانی دارد.

ترویج و تبلیغات در حوزه فرهنگی از عوامل کلیدی حمایت‌های دولتی به شمار می‌رود. دولت‌ها باید با تخصیص منابع مالی و استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین، فرهنگ و هنر را در سطوح ملی و بین‌المللی معرفی کنند. در محور شبکه‌های ارتباطی و محتوای تبلیغاتی، هدف اصلی ایجاد بسترهای کارآمد برای انتقال پیام‌های فرهنگی و ترویج ارزش‌های اجتماعی و هویتی جامعه است. شبکه‌های ارتباطی، از جمله رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات)، رسانه‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی شهری، به‌عنوان ابزارهای اصلی برای ارتباط با مخاطبان شناخته می‌شوند. هر یک از این شبکه‌ها تأثیر متفاوتی بر مخاطبان دارند و باید با دقت و برنامه‌ریزی صحیح مورد استفاده قرار گیرند. تولید محتوای تبلیغاتی در این شبکه‌ها باید با رعایت اصول روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی گروه‌های هدف صورت گیرد و متناسب با نیازها و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد. محتوای تبلیغاتی باید از تکنیک‌های هنری و ابزارهای مدرن مانند داستان‌گویی، طنز، نمادپردازی و تصویرسازی بصری بهره‌برد تا اثربخشی بیشتری در انتقال پیام داشته باشد. در محور کانال‌های توزیع و ارائه، هدف اصلی ایجاد دسترسی آسان و برابر برای تمامی گروه‌های اجتماعی به محصولات فرهنگی است. این کانال‌ها به‌عنوان بسترهایی برای انتقال آثار فرهنگی از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان عمل می‌کنند و شامل پلتفرم‌های دیجیتال، شبکه‌های فروش، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، و اپلیکیشن‌های موبایلی می‌باشند. دولت‌ها باید با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری و ایجاد تسهیلات برای بخش خصوصی، امکان دسترسی سریع و کم‌هزینه به این کانال‌ها را فراهم کنند. در این راستا، توسعه فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های آنلاین و ابزارهای دیجیتال می‌تواند به توزیع سریع‌تر و کارآمدتر آثار فرهنگی در سطح داخلی و جهانی کمک کند. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Azhdari et al., 2018; Entezari & Derakhshan, 2022; Lluís & Emmanuel, 2018; Mahdavi et al., 2019; Mehdipour, 2020; Meyrick & Barnett, 2017; Moghtadaei & Azghandi, 2016; Rahmanizadeh al., 2021; Dehkordi, 2022; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023; Wahba & Chun, 2021) هم خوانی دارد.

حمایت از هنرمندان و فعالان فرهنگی در مدل توسعه حمایت‌گرای دولت، شامل تأمین امنیت حقوقی، مالی و رفاهی آن‌هاست. این حمایت‌ها به تقویت خلاقیت، نوآوری و توسعه پایدار فعالیت‌های فرهنگی کمک می‌کند. حمایت حقوقی و قضائی از هنرمندان و فعالان فرهنگی یکی از ارکان اصلی حفظ حقوق مالکیت فکری و فرهنگی است. دولت‌ها باید با تدوین قوانین و مقررات دقیق و جامع در این حوزه، سازوکاری برای حفاظت از آفرینش‌های فرهنگی ایجاد کنند تا هنرمندان از خطر نقض حقوق خود توسط افراد یا نهادهای مختلف در امان باشند. این حمایت‌ها شامل اقدامات قانونی برای مقابله با سرقت آثار، حق نشر و کپی‌رایت می‌شود که به‌ویژه در دنیای دیجیتال و فضای مجازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌علاوه نیاز به تأسیس نهادهای قضائی متخصص و کارآمد برای رسیدگی به دعاوی حقوقی هنرمندان و فعالان فرهنگی نیز احساس می‌شود. دولت‌ها باید با تخصیص منابع مالی و ایجاد برنامه‌های حمایتی هدفمند، به رفع موانع اقتصادی هنرمندان بپردازند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل اعطای کمک‌های مالی برای تولید آثار هنری، ارائه بودجه‌های ویژه برای پروژه‌های فرهنگی و تأمین تسهیلات مالی به منظور توسعه کارآفرینی فرهنگی باشد. علاوه بر این، تخصیص کمک‌هزینه‌های پژوهشی و هنری برای هنرمندان، می‌تواند به ارتقای سطح علمی و تخصصی آن‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی کمک کند. حمایت از آفرینش و نوآوری در حوزه فرهنگ و هنر، نقش حیاتی در رشد و گسترش صنایع فرهنگی و تقویت هویت فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. دولت‌ها باید با طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی که شامل تسهیل فرآیندهای اداری، تسهیل دسترسی به منابع مالی و ایجاد زیرساخت‌های فناوری پیشرفته باشد، بستری فراهم کنند که هنرمندان و فعالان

فرهنگی بتوانند به راحتی به منابع مورد نیاز خود دست یابند. این حمایت‌ها باید به‌ویژه در راستای تشویق به نوآوری‌های فرهنگی و هنری در عرصه‌های مختلف از جمله هنرهای تجسمی، سینما، تئاتر، موسیقی و ادبیات باشد. تأمین منابع مالی از طریق جوایز دولتی، پروژه‌های مشترک با سایر کشورها، و ارائه برنامه‌های توسعه‌ای برای هنرمندان می‌تواند مشوق‌های موثری برای تولید آثار جدید و تجربی ایجاد کند. نتایج به دست آمده در این بعد با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (Azhdari et al., 2018; Cullerton et al., 2018; Entezari & Derakhshan, 2022; Lluís & Emmanuel, 2018; Mahdavi et al., 2019; Mehdipour, 2020; Meyrick & Barnett, 2017; Moghtadaei & Azghandi, 2016; Rahmanizadeh Dehkordi, 2022; Sohrabi & Ghasemi Pirbalouti, 2023; Zargham Afshar et al., 2023; Soleimani et al., 2022; Wahba & Chun, 2021) هم خوانی دارد.

پیشنهاد‌های کاربردی برای ارائه مدل توسعه حمایت‌گرای دولت در حوزه فرهنگی عبارتند از:

دولت می‌تواند بخشی از بودجه‌های فرهنگی را به پروژه‌های محلی و منطقه‌ای اختصاص دهد. این پروژه‌ها می‌توانند شامل آموزش‌های هنری، حمایت از هنرمندان محلی و توسعه فضاهای فرهنگی باشند. هدف از این کار تقویت هویت فرهنگی محلی و کاهش نابرابری‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور است. همچنین دولت می‌تواند از طریق معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در زمینه‌های فرهنگی مانند تولید فیلم، کتاب، موسیقی و دیگر صنایع فرهنگی سرمایه‌گذاری می‌کنند، حمایت کند. این اقدام می‌تواند به جذب سرمایه‌های خصوصی به سمت پروژه‌های فرهنگی کمک کند.

دولت می‌بایست برنامه‌های بیمه‌ای برای آثار هنری ایجاد کند که از سرقت، آسیب یا خسارت‌های احتمالی محافظت کند. این نوع بیمه می‌تواند برای هنرمندان، گالری‌ها و حتی مراکز فرهنگی به‌ویژه در برابر خطرات طبیعی، حوادث و مشکلات اقتصادی مفید باشد. دولت می‌تواند با توسعه زیرساخت‌ها و برگزاری رویدادهای فرهنگی بین‌المللی، نظیر جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها، به جذب گردشگران فرهنگی و ایجاد درآمد از طریق صنعت گردشگری کمک کند. این فعالیت‌ها می‌توانند درآمدزایی پایدار و بلندمدت برای بخش فرهنگی ایجاد کنند. دولت باید قوانینی را وضع کند که حقوق هنرمندان را در برابر سوءاستفاده‌ها، قراردادهای ناعادلانه و عدم امنیت شغلی محافظت کند. این قوانین باید شامل حقوق مالی، حرفه‌ای و اجتماعی هنرمندان، از جمله حمایت از حقوق دستمزد، حقوق بازنشستگی و حق بیمه باشد. ایجاد نهادهایی برای نظارت بر رعایت این قوانین می‌تواند از حقوق هنرمندان محافظت کند. به علاوه دولت باید قوانین مالکیت فکری را به‌طور منظم به‌روزرسانی کند تا با تحولات دیجیتال و فناوری‌های جدید هماهنگ باشد. این قوانین باید از حقوق معنوی و مالی هنرمندان، نویسندگان، تولیدکنندگان محتوا و دیگر فعالان فرهنگی در برابر سرقت ادبی، کپی‌برداری و استفاده غیرمجاز از آثارشان محافظت کنند.

دولت شایسته است برنامه‌هایی را برای ایجاد و یا نوسازی اماکن فرهنگی در مناطق کمتر توسعه‌یافته یا دورافتاده کشور فراهم کند. این مراکز می‌توانند شامل گالری‌های هنری، سالن‌های نمایش، کتابخانه‌ها، و مراکز آموزشی باشند که به هنرمندان محلی و عموم مردم امکان دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی را فراهم می‌کنند. این اقدام موجب ترویج عدالت فرهنگی و برقراری توازن در دسترسی به منابع فرهنگی می‌شود. دولت باید با تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها، آکادمی‌ها و مدارس تخصصی هنری، زمینه‌های آموزشی را برای پرورش استعداد‌های هنری فراهم کند. این نهادها باید از برنامه‌های آموزشی به‌روز و کارآمد بهره‌مند باشند و تجهیزات و منابع لازم را برای آموزش هنری در اختیار هنرجویان قرار دهند. همچنین باید دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و کارگاه‌های تخصصی برای هنرمندان فعال نیز برگزار شود.

دولت می‌تواند دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت تخصصی برای هنرمندان، مدیران فرهنگی و فعالان حوزه فرهنگ در زمینه‌های مختلف مانند حقوق مالکیت فکری، مدیریت فرهنگی، فناوری‌های نوین در هنر و بازاریابی فرهنگی برگزار کند. این دوره‌ها باید به‌طور مستمر

به روز شوند و به نیازهای فعلی بازار و تحولات جهانی پاسخ دهند. دولت می تواند از پژوهش های علمی و تحقیقاتی که به تحلیل و شناسایی چالش های فرهنگی و راهکارهای مناسب برای حل آن ها پرداخته و به کاربردهای عملی در سیاست گذاری فرهنگی می انجامند، حمایت کند. این پژوهش ها باید در قالب پروژه های ملی و بین المللی انجام شوند و نتایج آن ها به طور مؤثر به سیاست گذاران و برنامه ریزان ارائه گردد. دولت باید اقدام به ایجاد سامانه های دیجیتال برای ثبت و مستندسازی آثار فرهنگی کند تا این آثار به راحتی در دسترس پژوهشگران، هنرمندان و علاقه مندان قرار گیرد. این سامانه ها می توانند شامل پایگاه های داده دیجیتال برای ثبت اطلاعات آثار هنری، فرهنگی و تاریخی باشند که به حفظ و اشاعه آن ها کمک کند. همچنین دولت می تواند از طریق توافق نامه ها و همکاری های بین المللی با نهادهای فرهنگی و پژوهشی خارجی، شبکه هایی را برای تبادل دانش، تحقیق و ابتکارات فرهنگی ایجاد کند. این همکاری ها می تواند شامل پروژه های مشترک، برگزاری کنفرانس ها و کارگاه های آموزشی بین المللی باشد. دولت می تواند با ایجاد یا حمایت از پلتفرم های آنلاین مخصوص عرضه آثار فرهنگی (مانند پلتفرم های نمایش فیلم، موسیقی، کتاب و هنرهای تجسمی)، دسترسی عموم به محتوای فرهنگی را تسهیل کند. این پلتفرم ها می توانند به عنوان کانال های توزیع گسترده ای برای فرهنگ و هنر ملی و جهانی عمل کنند. به علاوه دولت می تواند با ایجاد مراکز مشاوره حقوقی ویژه برای هنرمندان، امکان دسترسی به مشاوره های تخصصی در زمینه حقوق مالکیت فکری، کپی رایت، و قراردادهای فرهنگی را فراهم کند. این مراکز می توانند به هنرمندان در مواجهه با نقض حقوقشان کمک کرده و راهکارهای قانونی برای مقابله با مشکلات حقوقی را ارائه دهند. دولت بهتر است با ایجاد صندوق های خاص حمایتی برای هنرمندان و فعالان فرهنگی، در مواقع بحران مالی یا زمانی که هنرمندان به حمایت های اقتصادی نیاز دارند، منابع مالی لازم را تأمین کند. این صندوق ها می توانند شامل کمک های بلاعوض، وام های کم بهره و حمایت های مالی برای پروژه های فرهنگی باشند. دولت می تواند از طریق تخصیص بودجه ویژه برای پروژه های هنری نوآورانه و تأسیس آزمایشگاه های هنری، فضایی برای تجربیات و آفرینش های جدید هنری فراهم کند. این پروژه ها می توانند شامل کارگاه های آموزشی، آزمایشگاه های فکری و همکاری های مشترک با دیگر هنرمندان و نهادهای فرهنگی باشند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

Advocacy in the cultural sector involves systematic actions aimed at influencing public policy, social structures, and access to resources for promoting justice, identity, and creativity across societies (Skillman, 2020; UNESCO, 2010). It supports individuals and groups through material, emotional, and intellectual means, aiming to enhance quality of life, empower communities, and enable cultural

expression (Meyrick & Barnett, 2017). Cultural advocates may operate informally—preserving heritage and language—or formally through organizations that advance artistic practices, heritage conservation, and identity formation (Ebne Yamini, 2018; Wahba & Chun, 2021). UNESCO's global classification of cultural domains—including visual arts, crafts, media, heritage, and rituals—has helped countries standardize activities and policies (Engelstad, 2017; Moghtadaei & Azghandi, 2016). Such global standards provide tools for comparative policy development, enabling strategic planning and cultural diplomacy (Entezari & Derakhshan, 2022; Røyseng et al., 2020). However, achieving change in the cultural sector remains slow and complex due to sociopolitical resistance and structural inertia (Ansari et al., 2021; Røyseng et al., 2020).

Governments play a pivotal role as cultural patrons through policy development, legal reforms, infrastructural support, and public investment (Belfiore, 2002; Gray, 2008). In Iran, cultural domains—such as religion, tourism, and literature—are deeply intertwined with national identity, requiring governance models aligned with both local values and global standards (Gray & Wingfield, 2011; Ratiu, 2009). Influencing cultural policy, however, is nonlinear and involves navigating networks of stakeholders, including bureaucrats, legislators, and civil society (Cullerton et al., 2018). Ensuring political will and engaging communities is essential for policy change, especially for marginalized groups or under-resourced organizations (Cullerton et al., 2016; Soleimani et al., 2022). Scholars have proposed strategies for enhancing civic influence on policymaking, suggesting multilevel models of advocacy that account for power asymmetries and promote cultural participation (Lluís & Emmanuel, 2018; Onyx et al., 2010). Prior literature also emphasizes the significance of state ethical obligations, participatory governance, and creative urban economies in shaping responsive cultural policy (Lluís & Emmanuel, 2018; Mickov, 2023; Schuster et al., 2021).

Methods and Materials

This qualitative study employed Braun and Clarke's (2006) thematic analysis approach. Sixteen expert participants, including senior managers and cultural policymakers from the Ministry of Culture and Islamic Guidance, were selected using purposive sampling based on their extensive experience and domain knowledge. Data collection proceeded via semi-structured interviews, continuing until theoretical saturation was reached at the 14th interview. Interview questions were initially derived from a review of relevant literature and documents. Interviews were audio-recorded, transcribed, and coded using MAXQDA software. In total, 191 initial codes were extracted, which were then refined into 57 basic themes and 17 organizing themes. Ultimately, six overarching themes were identified, reflecting key dimensions of a supportive government development model in the cultural domain.

Findings

Demographic analysis showed the majority of participants were male (75%), held doctoral degrees (75%), and had more than 11 years of experience (87%). Through thematic analysis, 191 initial codes were distilled into 57 basic themes and categorized into 17 organizing themes, which were in turn synthesized into six overarching themes: (1) budget and financial resources, (2) policymaking and legislation, (3) infrastructure and facilities, (4) education and research, (5) promotion and publicity, and (6) support for artists and cultural activists.

Within “budget and financial resources,” themes included direct budget allocations, financial incentives for private cultural enterprises, insurance mechanisms to mitigate investment risks, and strategies for revenue generation through cultural products. The “policymaking and legislation” theme emphasized the need for legal frameworks protecting artists' rights, social security, and intellectual property. “Infrastructure and facilities” focused on the establishment of cultural centers, museums, and ICT infrastructure. The “education and research” theme highlighted capacity-building

through training and scholarly investigation. “Promotion and publicity” involved leveraging media and technology to distribute cultural content and engage audiences. Lastly, “support for artists and cultural activists” encompassed legal aid, financial subsidies, and innovation grants.

Discussion and Conclusion

The study presents a comprehensive model for supportive cultural governance grounded in empirical insights from cultural policymakers and professionals. Central to this model is the role of financial mechanisms in sustaining cultural initiatives. Direct budget allocations function as strategic investments, enabling the continuation of essential yet non-commercial cultural programs. Incentivizing private sector participation via subsidies and tax exemptions diversifies funding sources and enhances the vibrancy of cultural markets. Insurance schemes mitigate the uncertainty intrinsic to creative industries, promoting risk-taking and innovation. Simultaneously, fostering self-sufficiency through cultural entrepreneurship helps reduce fiscal dependence on the state.

Policy and legal reforms constitute another pillar of the model. By safeguarding artists’ welfare through comprehensive social protection and intellectual property rights, the state establishes an enabling environment for creativity. These laws must evolve in tandem with digital transformations to ensure relevance. Ensuring institutional capacity for legal enforcement and providing accessible legal support are critical for operationalizing these protections.

Investment in infrastructure, both physical and digital, is foundational for democratizing access to culture. Cultural venues not only facilitate public participation but also serve as hubs for cultural education and exchange. Expanding ICT infrastructure ensures inclusivity, allowing marginalized communities to engage with cultural content. Furthermore, equipping cultural centers with modern tools and technologies elevates the quality and reach of artistic expression.

Education and research play a transformative role in cultural governance. Systematic training programs for cultural managers, artists, and educators enhance human capital. Research, particularly with an interdisciplinary and forward-looking orientation, informs evidence-based policy and identifies emergent cultural needs. National databases, digital archives, and interactive platforms institutionalize knowledge sharing and memory preservation.

Promotion and publicity are integral to cultural advocacy. Governments must adopt strategic communication techniques to articulate cultural values and raise awareness. Integrating traditional and digital media platforms ensures wide dissemination of cultural content. Involving citizens in co-creating promotional materials fosters ownership and inclusivity. Cultural branding and visual identity further reinforce cultural narratives at the national and international levels.

Lastly, artist support mechanisms strengthen cultural ecosystems by addressing legal, economic, and creative dimensions. Legal clinics offer protections against rights violations, while financial support ensures continuity of artistic production. Recognition through awards and international exposure enhances artists’ visibility and motivates continued engagement. Facilitating access to resources, networking, and markets cultivates a robust and resilient cultural sector.

The model proposed in this study serves as a multidimensional framework for governments seeking to align cultural governance with principles of sustainability, equity, and innovation. By operationalizing the six identified themes, policymakers can address structural barriers, foster cultural diversity, and enhance societal cohesion through participatory and inclusive cultural development.

References

- Ansari, M. R., Ghayoumi, A. A., Salehi Amiri, S. R., Azizabadi Farahani, F., & Ghadami, M. (2021). Presenting a Cultural Policy-Making Model with a Transformational Approach (Case Study: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran). *Strategic Studies in Public Policy*, 11(39), 46-66. https://sspp.iranjournals.ir/article_245873.html?lang=en
- Azhdari, L., Farhangi, A. A., Salehi Amiri, S. R., & Soltanifar, M. (2018). Pathology of Cultural Diplomacy in the Islamic Republic of Iran and Proposed Strategies. *Social-Cultural Strategy*, 7(3), 123-159. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_117831.html?lang=en
- Belfiore, E. (2002). Art as A Means of Alleviating Social Exclusion: Does It Really Work? A Critique of Instrumental Cultural Policies and Social Impact Studies in the UK. *International Journal of Cultural Policy*, 8(1), 91-106. <https://doi.org/10.1080/102866302900324658>
- Cullerton, K., Donnet, T., Lee, A., & Gallegos, D. (2016). Playing the policy game: a review of the barriers to and enablers of nutrition policy change. *Public Health Nutrition*, 19(14), 2643-2653. <https://doi.org/10.1017/S1368980016000677>
- Cullerton, K., Donnet, T., Lee, A., & Gallegos, D. (2018). Effective advocacy strategies for influencing government nutrition policy: a conceptual model. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 15, 83. <https://doi.org/10.1186/s12966-018-0716-y>
- Ebne Yamini, P. (2018). Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy: Comparative Perspectives. *Public policy*, 4(1), 191-204. <https://www.sid.ir/paper/257444/en>
- Engelstad, F. (2017). A Power Elite in the Cultural Field. A Story of Norwegian neo-corporatism. *International Journal of Cultural Policy*, 23(5), 527-544. <https://doi.org/10.1080/10286632.2015.1084297>
- Entezari, A., & Derakhshan, F. (2022). Policy Analysis in the Economics of Culture. *Applied Sociology*, 33(1), 1-34. https://jas.ui.ac.ir/article_26041.html?lang=en
- Gray, C. (2008). Instrumental Policies: Causes, Consequences, Museums and Galleries. *Cultural Trends*, 17(4), 209-222. <https://doi.org/10.1080/09548960802615349>
- Gray, C., & Wingfield, M. (2011). Are governmental culture departments important? An empirical investigation. *International Journal of Cultural Policy*, 17(5), 590-604. <https://doi.org/10.1080/10286632.2010.549559>
- Lluís, B., & Emmanuel, N. (2018). The participatory turn in cultural policy: Paradigms, models, contexts. *Poetics*, 66, 64-73. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2018.02.006>
- Mahdavi, S. M. H., Yazdani Zazerani, M. R., & Golshani, A. (2019). Pathology of Cultural Development Policymaking in the Fifth Development Plan of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Political Sociology Monthly*, 2(4), 2653-2664. https://jou.spsiran.ir/article_169337.html?lang=en
- Mehdipour, F. (2020). A Model of Three-Base Instruments for Implementing Cultural Policy. *Public Policy in Management*, 11(3), 31-47. <https://en.civilica.com/doc/1739669/>
- Meyrick, J., & Barnett, T. (2017). Culture without "world": Australian cultural policy in the age of stupid. *Cultural Trends*, 26(2), 107-124. <https://doi.org/10.1080/09548963.2017.1323840>
- Mickov, B. (2023). *The Cultural Sector and Sustainable Economic Development: Innovation and the Creative Economy in European Cities*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003336648>
- Moghtadaei, M., & Azghandi, A. (2016). Pathology of Cultural Policymaking in the Islamic Republic of Iran. *Specialized Quarterly of Political Science*, 12(34), 7-26. https://journals.iau.ir/article_528290.html?lang=en
- Onyx, J., Armitage, L., Dalton, B., Melville, R., Casey, J., & Banks, R. (2010). Advocacy with gloves on: the "manners" of strategy used by some third sector organizations undertaking advocacy in NSW and Queensland. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 21(1), 41-61. <https://doi.org/10.1007/s11266-009-9106-z>
- Rahmanizadeh Dehkordi, H. R. (2022). A Prelude to the Pathology of Decision-Making in Governmental Institutions with Emphasis on the State. *Government Studies*, 8(30), 163-196. <https://ensani.ir/fa/article/516869/>
- Ratiu, D. E. (2009). Cultural Policy and Values: Intrinsic versus Instrumental? The case of Romania. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 39(1), 24-44. <https://doi.org/10.3200/JAML.39.1.24-44>
- Røyseng, S., De Paoli, D., & Wennes, G. (2020). As You like It! How Performance Measurement Affects Professional Autonomy in the Norwegian Public Theater Sector. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 50(1), 52-66. <https://doi.org/10.1080/10632921.2019.1693458>
- Schuster, J. E., Rocha, L., Sevillano, A., Green Johnson, F., & Gerlach, J. (2021). ADVOCATE: A Legislative Advocacy Model for Counseling Students. *Teaching and Supervision in Counseling*, 3(1), 88-99. <https://doi.org/10.7290/tsc030109>
- Skillman, A. E. (2020). Building Community Self-Esteem: Advocating for Culture. *Folklore*, 131(3), 229-243. <https://doi.org/10.1080/0015587X.2020.1772577>
- Sohrabi, H., & Ghasemi Pirbalouti, M. A. (2023). Evaluating the Performance of the Sixth Development Plan in Public Culture, Art, and Creative Industries and Lessons for the Seventh Development Plan. *Monthly Expert Reports of the Parliament Research Center*, 31(4), 1-7. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1777054>

- Soleimani, T., Samet, A., & Ghayoumi, A. A. (2022). Presenting a Cultural Policy Model to Strengthen (Enhance) the Cultural Identity of Youth in Ilam Province. *Ilam Culture Quarterly*, 23(76-77), 63-80. https://www.farhangeilam.ir/article_169584.html
- UNESCO. (2010). *Advocacy toolkit: A guide to influence decision that improve children's lives*. United Nations Children's Fund, New York. <https://www.right-to-education.org/resource/advocacy-toolkit-guide-influencing-decisions-improve-childrens-lives>
- Wahba, S., & Chun, Y. (2021). Orange is the new colour of city competitiveness: The role of local governments in promoting cultural and creative industries. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 15(2), 136-149. <https://doi.org/10.69554/YLYW9891>
- Zare, R., & Safari, M. (2023). Designing a Social Support Model for Poor Children Under the Coverage of Welfare Organizations (Case Study: Imam Khomeini Relief Foundation, Razavi Khorasan Province). *Khorasan Socio-Cultural Studies*, 14(4), 1-20. https://www.farhangekhorasan.ir/article_181622.html
- Zargham Afshar, M. T., Sheikhi, S., & Ghaydar Lou, K. (2023). Pathology of Policymaking in Iran with Emphasis on Social Affairs. *Monthly Expert Reports of the Parliament Research Center*, 31(2), 1-30. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_171479.html